

مفهوم شناسی امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد امنیت اجتماعی از منظر آیات و احادیث

سهیلا پرستگاری^۱

الناز مشگی^۲

اکرم اکبریان^۳

چکیده

بسیاری از آیات و روایات بر این مقوله اشاره دارد که اصلاح جامعه در گرو جلوگیری از تجاوز و تعدی افراد و بازگشت آنان به طاعت خداست، تا جایی که دستور مقابله با متجاوزگر نیز صادر شده است. در روایات گهربار معصومین - علیهم السلام از جهات مختلف به وفور تبیین شده تا جایی که درباره مبانی و جوب، اهمیت، شرایط، آثار فردی و اجتماعی و... وظایفی را نیز تعیین کرده و بر پاسداری از اصول آن به عنوان روشی مؤثر برای حفظ جامعه اسلامی از سقوط تاکید شده است و همواره به عنوان تکلیف الهی که کمتر به آن توجه شده است یاد می گردد. از آنجا که همه واجبات، اهداف و مصالحی دارند که به واسطه آن مصلحت ها و اهداف واجب شده اند آشکارا فریضه امر به معروف و نهی از منکر را با اهدافی اجتماعی شفاف می سازد. اما آنچه را که به نظر می رسد برای روشن سازی حدود و ثغور آن باید به آن پرداخت مفهوم سازی این مقوله مهم می باشد. واداشتن مردم به ارزشهای الهی و بازداشتن آنها از مناهی خداوند و تهذیب جامعه از ناشایسته ها نیازمند تعمق بیشتر بر روی مبانی و مفاهیم است که این مقاله سعی در پرداختن به آن است.

واژه های کلیدی:

امر به معروف و نهی از منکر، امنیت اجتماعی، روایات، قرآن، نظارت اجتماعی

مقدمه

"از تشویق همدیگر به کارهای شایسته و بازداشتن از ارتکاب کار زشت خودداری نکنید و بدانید که اگر این کار را ترک کردید بدکاران بر شما مسلط می شوند. وقتی آنها مسلط شدند هر اندازه دعا کنید دعای شما قبول

^۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

^۲. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

^۳. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

نمی شود...". این جملات پاره ای از سفارشات امیر مومنان امام علی (ع) در بستر شهادت است. واضح است که باید از فرزند بزرگوارشان امام حسین (ع) به عنوان الگوی این امر مهم یاد کرد و در اهمیت موضوع همین بس که حضرت در بستری توأم با رنج و الم لحظات پایان زندگی، فرزندان را به آن توصیه می نماید.

اگر چه پیش از نیز بارها و بارها امیر مومنان علی بن ابیطالب این مساله را به انحاء مختلف متذکر شده اند؛ به عنوان کسی که حتی قلبش به طرفداری از نیکی ها و مبارزه با منکرات برنخیزد، قلبش واژگون می شود یعنی توان تشخیص نیک و بد را از دست می دهد. در خطبه قاصعه ایشان هشدار می دهد که "خداوند سبحان را از رحمت دور نکرد مگر به خاطر دوری از امر به معروف و نهی از منکر".

همچنین از روایات معروف پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - است که:

«یک انسان گنهگار در میان مردم، همانند فرد ناآگاهی است که با گروهی سوار بر کشتی شده و آن گاه که کشتی در وسط دریا قرار می گیرد، تبری برداشته و به سوراخ نمودن جایگاه خود می پردازد، هر کسی به او اعتراض می کند او در پاسخ می گوید: من در سهم خودم تصرف می کنم؛ به یقین این یک حرف احمقانه است. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند، طولی نمی کشد که همگی غرق می شوند» (رازی، ج ۴ - ۳: ۱۴۲).

تمام انبیای الهی با هدف اصلاح جامعه‌ی بشری مبعوث شده‌اند و مؤثرترین ابزار برای رسیدن به این هدف «امر به معروف و نهی از منکر» است که پیشینه‌ی آن را می توان از زمان بعثت اولین پیامبر الهی بررسی نمود. اما تاریخچه‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» در جوامع اسلامی به صدر اسلام، فرامین قرآن کریم و حضرت رسول (ص) و همچنین پیشوایان معصوم (ع) بازمی گردد.

میرهن است که باید معنا و مفهوم امر به معروف و نهی از منکر را از نگاه دین روشن نمود. بدین معنا آنچه که ضرورت می یابد مفهوم و دامنه‌ی معنایی امر به معروف و نهی از منکر است.

مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول اساسی دین اسلام است که تأثیری عمیق و گسترده بر حوزه زندگی اجتماعی دارد. واژه معروف، اسم مفعول از ماده عَرَفَ است به معنای شناخته شده و در مقابل آن منکر یعنی مورد ناشناخته و نامعلومی که کسی آن را نمی شناسد و یا مواردی که نخواسته اند شناخته شود. (یزدی، ۱۳۷۵: ۱۳۷۵)

۱۴۸) معرفت و عرفان به معنای شناختن و معروف به معنای شناخته شده به افعال و صفاتی اطلاق می شود که عقل و شرع آن را شناخته و مورد تأیید قرار داده باشند. ایمان به خدا، تفکر و تعقل، تقوا، عدالت، نیکوکاری، احسان، نועدوستی و وظیفه شناسی، امانتداری، وجدان کار، آزادی و نظایر آن را می توان از جمله افعال و اوصاف "معروف" دانست که هر وجدان پاکی طالب آن می باشد. همچنین با توجه به این مراتب امر به معروف عبارت است از تشویق و واداشتن دیگران به انجام افعال و داشتن صفاتی که به حکم عقل و از طرف شارع به نیکی توصیف شده باشد. منکر نیز به همه اعمال و اوصاف ناپسند اطلاق می شود که شرع و عقل آن را به رسمیت نمی شناسد، نظیر کفر، ستمگری، بخل، خیانت در امانت، استبداد و خود رأیی، اصرار در گناه، تن دادن به ظلم و نظایر آن که هر عقل سالمی از آن بیزار است. نهی از منکر نیز براین اساس برحذر داشتن دیگران از انجام افعالی است که از طرف شارع و به حکم عقل به قباحت و زشتی یاد شده باشد (هاشمی، ۱۳۷۴: ۲۰۸).

تعریف و برداشتی که از امر به معروف و نهی از منکر می شود، بر حسب نوع معنایی که از واژه «معروف» و «منکر» ارائه می شود و نیز بر حسب تفسیری که از امر و نهی و مصادیق و مراتب آن می شود و بالاخره بر حسب مرجع اعمال کننده آن یعنی آمر و ناهی، متفاوت می باشد.

در تبیین معنای معروف و منکر اقوال گوناگونی ارایه شده است؛ برخی معنای «معروف و منکر» را واجبات و محرمات می دانند؛ (تفتازانی: ۵۸۰) و برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به معنای این دو افزوده اند؛ (فاضل مقداد، ۱۳۶۸: ۵۷ و ۵۸).

معروف، در لغت به معنی «شناخته شده»، از ماده عرف و منکر، به معنی «ناشناخته» از ماده انکار است و در اصطلاح کارهایی که نیکی یا زشتی آن ها توسط عقل یا شرع، شناخته شده باشند، به ترتیب معروف و منکر نامیده می شوند (تحریر الوسیله: ۳۹۷).

بر این اساس، کارهای نیک، اموری شناخته شده و کارهای زشت و ناپسند، اموری ناشناس معرفی شده اند؛ چه اینکه فطرت پاک انسانی با دسته اول آشنا و با دسته دوم ناآشناست.

به کارگیری لفظ معروف و منکر در امور مربوط به بایدها و نبایدهای دین، بدین لحاظ است که فطرت پاک انسانی با کارهای معروف آشنا و مانوس و با زشتی ها و امور ناپسند، بیگانه و نامأنوس است.

افزون بر این، تبیین نوع رابطه معنایی میان معروف و منکر با هنجارها و نابهنجارها، در تعیین قلمرو و کارکرد این آموزه ضروری می باشد. در توضیح باید گفت در علوم اجتماعی گرچه تعریف های گوناگونی از هنجار و

نابهنجار ارایه شده است ولی به هر حال در معنای هنجار دو نکته مهم مد نظر قرار می‌گیرد: «مقبولیت و پذیرش اجتماعی» و «ارزش مندی بنفسه یا بالتبع یک رفتار». به بیان دیگر، هنجارها شکل پذیرفته شده و مقبولیت یافته ارزش‌های اجتماع هستند. در مقابل، امر نابهنجار، رفتاری است که از نظر همه یا بیشتر افراد اجتماع، به عنوان امری بد و ناپسند تلقی می‌شود و مغایر با ارزش‌های مورد قبول آن اجتماع است؛ از این رو هنجار و نابهنجار، معرف خوبی و بدی است و به همین لحاظ است که به «معروف و منکر» نزدیک می‌شود. با وجود این، تفاوت معنایی بسیار مهمی میان معروف و هنجار و منکر و نابهنجار وجود دارد و آن این که معروف بیانگر خوبی و نیکی و ضرورت انجام یک کار است، اما لزوماً دلالتی بر مقبولیت اجتماعی آن ندارد؛ منکر نیز گرچه حکایت از قبح و زشتی یک عمل (فعل یا ترک فعل) دارد ولی ضرورتاً به معنای عدم مقبولیت اجتماعی آن نیست. امر به معنای واداشتن و نهی به معنای بازداشتن است.

قرآن کریم به طور مفصل امر به معروف و نهی از منکر را مورد بحث قرار داده است. (آل عمران / ۱۱۴-۱۰۲ و توبه / ۷۸-۶۷ و حج / ۴۱-۳۹) توالی منطقی احکام قرآن در باره امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان به ترتیب اول تشویق افراد به امر به معروف و نهی از منکر، (لقمان / ۱۷) دوم عبرت آثار نامطلوب ترک امر به معروف و نهی از منکر، (اعراف / ۲۴-۲۳) سوم وجوب امر به معروف و نهی از منکر برای مسلمانان (آل عمران / ۱۰۴ و ۱۱۰) و چهارم امر به معروف و نهی از منکر به عنوان خصلت مسلمانان (توبه / ۷۹) ملاحظه کرد. از مجموع آیات قرآن درباره امر به معروف و نهی از منکر برمی‌آید که امر به معروف و نهی از منکر از جمله قوانین اجتماعی اسلام به شمار می‌رود که به تدریج بنابر قابلیت پذیرش و استعداد مسلمانان و با توجه به تکامل و گسترش اسلام تشریح گردیده و از قبیل واجباتی چون نماز و روزه است که اگر ترک شود مؤاخذ خواهد داشت. بنابراین همواره عده‌ای در جامعه اسلامی مسئول انجام چنین وظیفه مهمی هستند (یزدی، ۱۳۷۵: ۱۴۳).

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه امور باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مطلب در فقه اسلامی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می‌رود.

گر چه در لغت، امر به معنای واداشتن و نهی به معنای بازداشتن است که در آن نوعی استعلائی آمر و ناهی وجود دارد اما تبیین مفهومی این دو واژه در مبحث امر به معروف و نهی از منکر با مراتب آن پیوند خورده است و از این رو معناهای جدیدی از این دو ارائه شده است.

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه شهروندان جامعه اسلامی است که به روش های مختلف قلبی (چهره ای)، لسانی (گفتاری) و یدی (عملی)، حکومت را در ترویج معروف ها و بازداشتن و ممانعت از منکرات کمک می کنند.

الف) امر و نهی قلبی (چهره ای):

برخی مرتبه قلبی را از لوازم ایمان دانسته اند؛ (نوری، ۱۳۷۵: ۲۸۳)، که قابل امر و نهی نیست؛ از این رو، غالباً آن را به اظهار این مرتبه در رخسار و چهره آدمی تفسیر کرده اند.

ب) امر و نهی لسانی (گفتاری):

در مرتبه لسانی، نیز صرف «دستور دادن» به انجام کاری یا «باز داشتن» از انجام کاری، تفسیر امر یا نهی دانسته نشده است، بلکه به نصیحت کردن، تشویق کردن و اموری از این دست نیز معنا شده است.

امام خمینی (قدس سره الشریف) در این زمینه می نویسد:

اگر بداند که از مرتبه اول امر به معروف و نهی از منکر نتیجه نمی گیرد، واجب است از مرتبه دوم استفاده کند، در صورتی که احتمال تأثیر بدهد و اگر احتمال دهد که با موعظه و زبان نرم، نتیجه حاصل می شود، نباید به مراحل بعدی تجاوز نماید. اگر بداند که مرحله قلبی اثر ندارد و بایستی با لحن آمرانه امر و نهی کند، باید همین کار را بکند در عین حال باید درجات تندی در گفتار را رعایت نماید.

ج) امر و نهی یدی (عملی):

در مرتبه یدی نیز آن چه متأسفانه به صورت یک برداشت عمومی درآمده است، تفسیر «ید» به «ضرب و جرح و حتی قتل» است، در حالی که در کلمات برخی از فقها «ید» تنها محدود به این موارد نبوده و کنایه از قدرت تلقی شده که دامنه رفتاری بسیار گسترده ای هم چون به ازدواج درآوردن جوانان عزب، ساختن مدارس و دیگر مکان های مورد نیاز، چاپ و نشر کتاب های سودمند، ایجاد اشتغال و ... را شامل می شود؛ (علی نوری: ۲۹۵ و ۲۹۶).

اگر دو مرحله قبلی کار آیی نداشته باشند؛ باید از زور و قدرت استفاده گردد، بدین معنا که با اعمال فشار جلوی انجام گناهان گرفته شود و بین شخص و گناه مورد نظرش فاصله ایجاد گردد. در این مرحله نیز باید از مراتب سبک تر شروع کرد؛ اما در فرضی که بازداری از گناه متوقف بر کتک کاری و ایجاد جراحت و امثال آن باشد، باید با اذن فقیه جامع الشرایط انجام گیرد و در شرایط فعلی که نهادهای قانونی جمهوری اسلامی شکل گرفته، چنین کاری باید با اجازه نهادهای مربوط باشد.

گفتنی است آنجا که از فرد کاری ساخته نیست، باید امر به معروف و نهی از منکر به شکل جمعی و گروهی انجام گیرد. همچنین از تدابیر عملی نباید غفلت کرد یعنی باید دید چه طرح و رفتاری، مردم را نسبت به کار نیک تشویق می کند و یا از کار زشت باز می دارد و این به معنای دخالت دادن عقل و منطق، در اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر است؛ چرا که اسلام در شیوه های اجرایی این اصل مهم، آن را به عقل و تدبیر انسان وانهاده است تا از هر راه ممکن و مفید، ریشه منکرات را از جامعه برکند. برخلاف واجبات عبادی همانند نماز که شکل انجام آن نیز باید با تعبد به دستور شرع صورت پذیرد.

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات

رسول خدا - صلی الله علیه و اله - می فرماید: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند، بدکاران شما را به شما مسلط می کند و از آن پس نیکان شما هر چه دعا می کنند مستجاب نمی شود. (مجمع الزوائد، ج ۷: ۲۶۶). مقصود این است که هیبت و شکوه آنان در نظر اشرار از بین می رود در نتیجه، اهمیتی به آنها نمی دهند و از آنها نمی ترسند.

حضرت علی (علیه السلام) به فرزندش فرمود: امر به معروف کن تا اهل معروف باشی. (اصول کافی، ج ۱، باب ۱۳، حدیث ۳).

همان گونه که هر کس لباس می شوید، دست خودش نیز پاک می شود؛ کسی که مردم را به خیر دعوت می کند، به طور طبیعی سعی می کند تا خودش نیز به آن کاری عمل کند که به دیگران سفارش می کند.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرماید: «لعن الله الامرین بالمعروف، التارکین له، و الناهین عن المنکر، العالمین به (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ج ۲: ۳۹۱). لعنت خداوند بر کسانی که مردم را به کار نیک

دعوت می کنند و خود آن را انجام نمی دهند، و نفرین خدا بر افرادی که دیگران را از کارهای ناپسند دور می دارند و خود آن را به جای می آورند.

در قرآن کریم آمده است: (بعضی از مردان و زنان مؤمن بر بعض دیگر ولایت دارند، امر به معروف می کنند و از زشتی باز می دارند) (توبه (۹) آیه ۷).

حضرت علی (ع) در مقایسه این دو واجب الهی با سایر برنامه های اسلام می فرماید: (همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدنی است به دریای پهناور و پر موج) (نهج البلاغه، ص ۴۲۹، قصار ۳۷۴).

پیامبر گرامی اسلام (ص) در تمثیلی زیبا، پیکره اجتماع را به کشتی تشبیه کرده و می فرماید: (اگر یکی از افراد سوار بر کشتی ادعا کند که من در کشتی حق دارم، لذا می توانم آن را سوراخ کنم و مسافران دیگر او را از این کار باز ندارند، موجب هلاکت همگان خواهد شد، زیرا غرق شدن کشتی، هلاکت همگان را در پی دارد و اگر دیگران بی تفاوت نباشند و او را از این عمل باز دارند، هم خود و هم او را نجات خواهند داد) (صحیح بخاری، ج ۲: ۸۸۲).

نکته قابل ذکر این که اسلام امر به معروف و نهی از منکر را تنها در مورد انسان ها مطرح نمی کند، بلکه در مورد حیوانات نیز آن را مهم می شمارد. امام صادق (ع) نقل می کند: (در میان بنی اسرائیل پیر مردی عابد در حالی که به نماز ایستاده بود، چشمانش به دو پسر بچه افتاد که پره های خروسی را می کنند. عابد بی آن که آنان را از این کار باز دارد، به عبادت خود ادامه داد. در آن حال خداوند به زمین دستور داد که بنده ام را در خود فرو بر) (بحار الانوار، ج ۹۷: ۸۸).

در اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

(در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای است همگانی و متفاوت، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می کند).

حضرت علی (ع) می فرماید: (خداوند به حضرت شعیب پیام داد که من از بین قوم تو یکصد هزار نفر را به هلاکت می رسانم، چهل هزار نفر از تبهکاران و شصت هزار نفر از خوبان آنها؛ شعیب گفت: خدایا! آن چهل هزار نفر که تبهکارند، اما چرا خوبان را به هلاکت می رسانی؟ فرمود: برای این که آنان در مقابل گناه کاران بی

تفاوت بودند و آن جا که من خشمگین می شدم خشمگین نشدند؛ یعنی گناهان را دیدند، لکن نهی از منکر نکردند) (بحار الانوار، ج ۹۷: ۸۱).

در روایات اسلامی نیز به مساله امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت فراوان داده شده و آن را از مهم ترین دستورهای الهی برشمرده است. این روایات را می توان به پنج گروه تقسیم کرد:

۱- روایاتی که بیانگر وجوب و لزوم امر به معروف و نهی از منکر است و بر آن تاکید شدید نموده اند.

۲- روایاتی که حاکی از هشدار شدید بر ترک کننده آن است.

۳- روایاتی که به اهمیت فوق العاده آن اشاره می کند.

۴- روایاتی که مراحل آن را بیان می نماید.

۵- روایاتی که آثار درخشان آن را تبیین می کند.

که در اینجا برای هر کدام، از این پنج گروه، در میان ده ها حدیث به ذکر یک روایت پرداخته می شود:

امام باقر (ع) فرمود: «ویل لقوم لا یدینون الله بالامر بالمعروف، والنهی عن المنکر؛ وای به حال ملتی که امر به معروف و نهی از منکر را روش دینی خود قرار نمی دهد و در اعتقاد به این دو تسلیم خدا نمی شود» (وسائل الشیعه، ج ۱۱: ۳۹۲).

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «فان الله سبحانه لم یلعن القرن الماضي بین ایدیکم الا لتركهم الامر بالمعروف والنهی عن المنکر؛ خداوند متعال پیشینیان را از رحمت خود دور نساخت، مگر به خاطر این که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

نیز فرمود: «و ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر لخلق الله سبحانه، و انهما لایقربان من اجل، و لاینقصان من رزق؛ امر به معروف و نهی از منکر، دو صفت از صفات خدا هستند، این دو قطعاً، نه مرگ انسان را نزدیک می کنند و نه از رزق انسان می کاهند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶).

و در عبارت دیگر می فرماید: «گروهی از مردم با دست (عمل) و زبان و قلب، به مبارزه با منکرات برمی خیزند، آنها همه خصلت های نیک را در خود جمع کرده اند، گروهی دیگر تنها با زبان و قلب نهی از منکر می کنند، این ها به دو خصلت نیک تمسک کرده اند، و یکی را از دست داده اند، گروهی دیگر تنها با قلبشان مبارزه می کنند، اما مبارزه با دست و زبان را ترک کرده اند، این گروه بهترین خصلت ها را از این سه ترک نموده و تنها یکی را گرفته اند، و گروهی دیگر نه به زبان و نه با دست و نه با قلب نهی از منکر می کنند: «فذلک میت

الاحیاء، اینها در حقیقت مردگانی در میان زندگان هستند». آنگاه فرمود: «و ما اعمال البر کلها والجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف والنهی عن المنکر الا کنفته فی بحر لجی؛ و همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره ای است (مقدار آبی است که با یک دمیدن در دهان جمع شود) در مقابل دریای پهناور» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

و در مورد آثار درخشان این دو فریضه الهی، امام باقر (ع) در ضمن گفتاری فرمود: «... بها تقام الفرائض و تامن المذاهب، و تحل المكاسب، و ترد المظالم، و تعمر الارض و یتتصف من الاعداء و یتستقیم الامر؛ در پرتو امر به معروف و نهی از منکر، سایر فرایض و واجبات برپا می گردد، و راه ها امن می شود، و تجارت و کاسبی مردم، حلال گشته، و هرگونه ظلم و جور برچیده شده، و زمین آباد می گردد، و از دشمنان، انتقام گرفته گشته، و همه کارها رو به راه می شود» (وسائل الشیعه، ج ۱۱: ۳۹۵).

امنیت اجتماعی

قرآن کریم در آیاتی، با جملات «بما کان یکسیون» [۱] یا «بما کانوا یصنعون» [۲] یا «بما کسبت أیدی الناس» [۳]، مصائب و مشکلات اجتماعی را به اعمال خود مردم، نسبت می دهد. از جمله می فرماید:

«وَصْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» [۴]

و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزیش از هر سو فراوان می رسید، پس [ساکنانش] نعمت های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.

یا رسول الله مثال بزنی و بگو: یک شهری بود که در رفاه و آسایش و امنیت ظاهری و باطنی، قرار داشت. اما اهالی آن شهر کفران نعمت کردند، یعنی گناه کردند. خداوند نعمت داد و باید نعمت را در ثواب بکار می بردند، اما در گناه به کار بردند. وقتی چنین شد، تمام آن نعمت ها از آنان سلب و دچار ندمت شدند. گرانی، کمبود، و بدتر از آن، ناامنی دل به سراغ آنان آمد (مظاهری، ۱۳: ۶۶).

امر به معروف و نهی از منکر و امنیت اجتماعی

گاهی امر به معروف و نهی از منکر، با ارشاد و نصیحت به یک معنی می آید؛ ولی واقعیت آن است که نصیحت و ارشاد، بیشتر جنبه دلسوزی، اندرز، تعلیم و موعظه دارد و همراه با وفق و مداراست، ولی امر به معروف و نهی از منکر به صورت تکلیف و دستوری از سوی شرع مقدس است.

برخی به اشتباه امر به معروف و نهی از منکر را موجب سلب آزادی افراد و دخالت در امور شخصی دیگران، یا عامل ایجاد اعمال خشونت آمیز می دانند. حال آنکه فلسفه امر به معروف و نهی از منکر، احیای احکام الهی، کنترل جامعه و جلوگیری از هرج و مرج است.

اگر امر به معروف و نهی از منکر با شرایط تعیین شده در احکام دینی به اجرا در آید، هیچ گاه با آزادی های فردی و سلب امنیت افراد منافات نخواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام نیز در اهمیت این موضوع می فرمایند: «تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون قطره ای است در مقابل دریایی پهناور». ایشان در بیان دیگری می فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ زیرا در آن صورت، اشرار و ستمگران بر شما مسلط خواهند شد. آن گاه هر چه دعا کنید، دعای شما مستجاب نخواهد شد.» قال علی علیه السلام و ما اعمال البرِّ کُلُّها و الجهادُ فی سبیل الله عِنْدَ الامرِ بالمعروف و النهی عَنِ المنکرِ اِلَّا کَنْصَهٍ فی بحرٍ لُجِّيٍّ. همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر نیست مگر آب دهانی که در دریایی ژرف انداخته شود (میزان الحکمه، ح ۱۲۶۹۰).

از این روایت بر می آید که بالاترین نشانه های دین است. مهمترین امری است که انبیاء بخاطر آن مبعوث شده اند، عالیتین وظیفه علمای دینی، بلکه محور و اساس بقاء دین است و یکی از مصادیق بارز قیام به قسط است (نیلی پور، ۱۳۸۷: ۵۱۷).

در روایات آمده است که: (خداوند دو ملک را مأمور کرد تا شهری را سرنگون کنند. چون به آنجا رسیدند مردی را دیدند که خدا را می خواند و تضرع می کند. یکی از آن دو فرشته به دیگری گفت: این دعا کننده را نمی بینی؟ گفت: چرا! ولکن امر خداست، باید اجرا شود. اولی گفت: نه کاری انجام نمی دهم تا از خدا سؤال کنم و به خدا عرض کرد: در این شهر بنده ای تو را می خواند و تضرع می کند، آیا عذاب را نازل کنیم؟ خطاب آمد: امری که دادم انجام دهید. آن مرد هیچگاه برای امر من رنگش تغییر نکرده و از کارهای ناشایست مردم خشمگین نشده (جامع السعادات، ج ۲: ۲۳۵).

قرآن کریم یکی از دلایل نابودی تمدن ها را رواج منکرات و زشتی در جامعه می داند. در آیه ۲۱ سوره مؤمن آمده است: «آیا مردم در روی زمین سیر نمی کنند تا عاقبت کار پیشینیان خود را ببینند و آنان که بسیار از اینان قوی تر و اثر وجودشان بیشتر بود، سرانجام خداوند [آنان را] به کیفر گناهان بگرفت و از قهر و انتقام خداوند هیچ کس نگه دارشان نبود».

حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی در یک حرکت انقلابی، بت ها را شکستند و تبر را بر دوش بت بزرگ گذاشتند، خواستند با این کار مردم را به تفکر وادار کنند. ایشان با این کار، منکر بودن و زشتی کار بت پرستان را به آن ها گوشزد نمودند و با این حرکت، تفکر غلط بت پرستی را نابود کردند.

امام حسین علیه السلام در ضمن وصیت خود به برادرش، محمد حنفیه، فرمودند: «من برای راحت طلبی و خوشگذرانی خروج نکردم و نه از روی ستم و نه به منظور فساد؛ بلکه مقصود من اصلاح و نجات دادن امت از انحراف است. من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم».

ملاحظه می گردد امر به معروف و نهی از منکر یا همان طرح نظارت اجتماعی مکانیسمی است لازم برای امنیت اجتماعی و این نشأت گرفته از آنجاست که اسلام سلامت فرد را از سلامت جامعه مجزا نمی داند و این دو را در گرو هم می داند و بنابراین لازمه ی جامعه ی سالم را سلامت افراد با رعایت حقوق یکدیگر و تذکر آن به همدیگر می داند. اهمیت آن را تا بدانجا مطرح می سازد که ترک آن موجب مصائبی برای مردم و جامعه می خواند. چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در این باره می فرمایند: «هر زمان که امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، پس منتظر بلاهای الهی باشند.»

نتیجه گیری

قدمت امر به معروف و نهی از منکر به زمان آفرینش حضرت آدم برمی گردد. نخستین انسان روی زمین، دعوت کننده به نیکی ها بود و پس از وی نیز پیام آوران وحی و پیروان با ایمان آنان در انجام این فریضه مهم کوشیدند و برای منکرزدایی، چه بها و دشواری هایی متحمل شدند.

۱- مرتبه قلبی (نفرت قلبی بر ارتکاب معصیت داشته باشد) ۲- تعریف و شناساندن منکر برای مرتکب شونده آن و معروف برای تارک آن ۳- اظهار ناخوشایندی خود و قهر کردن ۴- انکار لسانی بواسطه موعظه، نصیحت، ترساندن، دورباش دادن، تندی در کلام ۵- مانع شدن فیزیکی، مثل شکستن آلات لهوی، ریختن شراب، گرفتن

لباس غضبی و رد آن به صاحبش و ... ۶- تهدید و ترساندن قولی ۷- تنبیه بدنی (برخورد عملی) ۸- مجروح نمودن (با اجازه حاکم شرع یا مواردی که اذن داده شده است) (نیلی پور، ۱۳۸۷: ۵۸).

اما آنچه که ضرورت می یابد تدبیر در روایات و اخباری است که در مدح امر به معروف و نهی از منکر و یا در عواقب ترک این دو صفت آمده می باشد و رسیدن به روش هایی برای عملی ساختن و به جا آوردن این فریضه مهم به نحوه صحیح از جمله ۱- برخورد با اهل گناه به حسب مراتب آن ۲- اندرز اهل گناه ۳- شرکت در حرکت های اصلاحی جامعه .

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ج ۲

نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، ص ۴۲۹، قصار ۳۷۴

تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، ج ۲. قم، شریف الرضی، ۱۴۰۹ بی تا،

فاضل مقداد، ۱۳۶۸، النافع لیوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر، کتابفروشی علامه، ج ۱.

امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶، ج ۱.

علی نوری، علی رضا، کلیات فقه اسلامی، قم، یاقوت

مجمع الزوائد، هیشمی، ج ۷

اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، باب ۱۳

صحیح البخاری، تصحیح مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن الکثیر، ۱۴۱۴ ق، ج ۲.

بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۹۷

وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، ج ۱۱

میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ترجمه حمیدرضا شیخی، ح ۱۲۶۹۰

رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۴- ۳

نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، نشر قائم آل محمد، ج ۲

مظاهری، حسین. ۱۳۱۲. مشق اخلاق: چهل توصیه اخلاقی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا علیه السلام.

نوری، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.

نیلی پور، مهدی. (۱۳۸۷). بهشت اخلاق: بررسی ۳۱۳ واژه اخلاقی، ج ۲. قم: موسسه تحقیقات حضرت ولی عصر (عج).

هاشمی، محمد، ۱۳۷۴، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، اصول و مبانی کلی نظام. تهران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول

یزدی، محمد، ۱۳۷۵، ولایت فقیه (یا حکومت اسلامی در عصر غیبت). تهران: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.